

ساخت و اعتباریابی مقیاس سنجش سازه‌ی دل‌بستگی مکانی در میان شهروندان شهر تبریز (پژوهشی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی شهری)

محمد عباس‌زاده^۱، حسین بنی فاطمه^۲، محمدباقر علیزاده اقدم^۳، لیلا علوی^۴

چکیده:

دل‌بستگی مکانی از مفاهیم چندبعدی و بین رشته‌ای است که توجه جامعه‌شناسان شهری را به خود جلب کرده است. دل‌بستگی به مکان، ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین شکل می‌گیرد. شهر یکی از مکانهای مهمی است که می‌تواند مورد دل‌بستگی شهروندان قرار گیرد و این دل‌بستگی نتایج اجتماعی بسیاری در پی دارد. هدف این مقاله، ساخت و اعتباریابی مقیاس دل‌بستگی به شهر محل سکونت است. روش پژوهش پیمایش است و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شهروندان ۱۵ تا ۷۵ ساله شهر تبریز هستند. حجم نمونه ۴۲۰ نفر و روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. اعتبار محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر چند تن از استادان جامعه‌شناسی تأیید گردیده و سپس با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، اعتبار سازه‌ای این مقیاس چهارعاملی با ۳۸ گویه بررسی شد که از عامل اول (وابستگی کالبدی) ۶ گویه، از عامل دوم (وابستگی اجتماعی) ۴ گویه، از عامل سوم، (هویت کالبدی) ۵ گویه و از عامل چهارم، (هویت اجتماعی) ۵ گویه در مقیاس ساخته شده باقی

m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

m.banifatemeh@tabrizu.ac.ir

aghdam1351@yahoo.com

alavileyla@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۶

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۳- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

تاریخ وصول: ۹۴/۱/۱۹

ماندند. در ادامه‌ی بررسی اعتبار سازه‌ای، فرضیه‌ی رابطه میان سابقه‌ی سکونت و دلبستگی مکانی بر اساس ادبیات پژوهش ساخته آزمون گردید که معنادار بود. پایایی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ و به روش حذف گویه مطالعه شد که آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های چهارگانه و مقیاس دلبستگی مکانی دارای مقادیر قابل قبولی بود. در نهایت، مدل چهارعاملی متغیر پنهان دلبستگی مکانی توسط تحلیل عاملی تأییدی بررسی گردید که از برازندگی مناسبی برخوردار بود؛ بنابراین، مقیاس ساخته شده‌ی دلبستگی مکانی، ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری این مفهوم در متن شهری ایران تشخیص داده شد.

کلید واژه: دلبستگی مکانی، وابستگی مکانی، هویت مکانی، اعتبار، پایایی، شهر تبریز.

مقدمه:

انسان و مکان از آغاز وجود دارای ارتباط انکارناپذیری بوده‌اند، اما تا پیش از دهه‌ی هفتاد میلادی این ارتباط چندان مورد توجه عالمان اجتماعی قرار نگرفته بود. در چند دهه‌ی گذشته عواملی مانند فضای شخصی، معنای مکان، هویت مکانی و دلبستگی مکانی و دیگر موضوعات مرتبط، موضوع تحقیقات در مورد انسان و مکان بوده‌اند و این به دلیل افزایش توجه به تأثیر فرهنگ بر ترجیحات مکانی، تراکم جمعیت، جابجایی و مهاجرت جمعیت به شهرها و روستاها و لزوم تطابق با محیط جدید برای گروه‌های اجتماعی مختلف بوده است. اکنون مطالعات زیادی در زمینه‌ی دلبستگی به مکان صورت گرفته و مقیاس‌های مختلفی همانند خانه، محله، شهر و کشور و مکان‌های متفاوتی مانند محل کار، فضاهای عمومی و تفریحی، فضاهای آموزشی و آسایشگاه سالمندان برای این بررسی‌ها در نظر گرفته شده است.

دلبستگی به مکان یا دلبستگی مکانی^۱ در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان در رشته‌های مختلف علمی (جامعه‌شناسی، روانشناسی محیطی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و معماری) قرار گرفته است (برای مثال ترنتلمن^۲، ۲۰۰۹؛ وایندسانگ^۳، ۲۰۱۰). بخشی از این توجه ناشی از این آگاهی است که پیوندهای مکان

-
- 1- Place Attachment
 - 2- Trentelman
 - 3- Windsong

شخص به دلیل جهانی‌سازی و افزایش قابلیت جابجایی، شکننده‌تر شده است و بخش دیگر مربوط به مسائل محیطی است که وجود مکان‌های با اهمیت برای انسان‌ها و ارتباطات انسان با آن مکان‌ها را بیش از گذشته تهدید می‌کند و علت توجه این بررسی به مفهوم دلبستگی مکانی، به بخش دوم باز می‌گردد. جغرافیدانان انسان‌گرا، معتقدند که پیوند با فضای معنادار، یا «حس مکان»^۱ پیوند عاطفی عمومی است که نیازهای انسان را محقق می‌سازد (رلف^۲، ۱۹۷۶ به نقل از دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

اهمیت دلبستگی به مکان از آن روست که نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسؤلیت‌پذیری، همکاری و خودیاری افراد داشته و شیوه‌های کارآمدی را برای حل مسائل و بهبود شرایط محیطی زندگی افراد ارائه می‌کند؛ افراد در شرایط دلبستگی به مکان‌های خاص برای مسائل آن مکان‌ها دست به عمل جمعی زده و با تهدیدات محیطی مربوط به آن مکان‌ها مقابله می‌کنند (اسکنل و گیفورد^۳، ۲۰۱۰: ۶؛ امیرکافی، ۱۳۹۰: ۱۴). یکی از مهم‌ترین مکان‌ها که بسیاری از انسان‌ها در متن آن حضور فعال داشته و هر روز خود را با مسائل آن مکان و مسائل انسانی خود در آن مکان درگیر هستند، شهر است. انسان و شهر با هم دارای ارتباط هم‌زیستی و عاطفی بوده و به واسطه‌ی تسامح با یکدیگر حیات خود را رقم می‌زنند. در حال حاضر، بی‌تردید رابطه‌ی انسان و شهر و نتایج هم‌زیستی آنها، زاینده‌ی پویاترین تحولات و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است که در بطن جریانات اصلی و واقعی اجتماعی و سیاسی پدید آمده است که پیوسته با برخورد با سایر دیدگاه‌های جاری در فضای فکری و نیز با تأثر گرفتن از آنها دستخوش دگرگونی شده است. البته این تأثیرپذیری و تغییرات پا به پای تغییرات و شکل‌گیری نظریه‌های اجتماعی و سیاسی تا به امروز ادامه داشته است (نقدی، ۱۳۹۰: ۶۷)؛ بنابراین، شاید بتوان گفت که احساس دلبستگی به شهر در بسیاری از افراد انسانی امری روشن و غیرقابل انکار است. افراد نسبت به شهری که در آن به دنیا آمده، رشد نموده، وقایع مهم زندگی

-
- 1- Sense of place
 - 2- Relph
 - 3- Scannell & Gifford

فردی و اجتماعی خود را تجربه کرده‌اند و احساس دل‌بستگی پیدا می‌کنند.

با توجه به اینکه تاکنون ابزاری استاندارد برای ارزیابی دل‌بستگی مکانی شهروندان در جامعه‌ی ایرانی تهیه نشده است و لزوم استفاده از یک ابزار این چینی در بررسی‌های جامعه‌شناختی مربوط به حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی شهر، جامعه‌شناسی توسعه و جامعه‌شناسی محیط زیست قطعیت دارد، پژوهش حاضر به ساخت پرسشنامه‌ی دل‌بستگی مکانی و اعتبار^۱ یابی آن اقدام نموده است. واحد مکانی مورد بررسی برای ساخت و اعتباریابی مقیاس دل‌بستگی مکانی، شهر تبریز است. البته به علت وسعت و چندگونگی محیط فیزیکی و کالبدی شهر تبریز (اعم از محیط‌های طبیعی و مصنوع دست انسان در شهر)، مقیاس سازه‌ی دل‌بستگی مکانی در دو بُعد مکان‌های طبیعی (پارک‌ها و فضای سبز شهر و اطراف شهر) و محیط اجتماعی (روابط اجتماعی با شهروندان) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری:

دل‌بستگی مکانی مفهومی چندبُعدی و بین رشته‌ای است که جنبه‌های مختلفی از پیوند فرد با مکان را در هم می‌آمیزد. پیچیدگی نظری دل‌بستگی مکانی، از یک سو با مفهوم دل‌بستگی ارتباط پیدا می‌کند که دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است و از سوی دیگر ناشی از این واقعیت است که احساسات انسانی درباره‌ی مکان‌ها از مکان‌هایی ناشی می‌شود که علاوه بر داشتن فضای صوری و ظاهر فیزیکی و رؤیت‌پذیر (همانند خیابان، کوچه، ساختمان و شبکه حمل و نقل) دارای ابعاد بوم‌شناختی، اجتماعی و نمادین است (اسکال و گیفورد، ۲۰۱۰؛ مورگان^۲، ۲۰۱۰؛ لاو و آلتمن^۳، ۱۹۹۲). "واژه‌ی دل‌بستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند؛ تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، مرکز تفکر دل‌بستگی به مکان است چرا که انسان‌ها می‌توانند به یک شیء، خانه، ساختمان، محله و یا یک مجموعه‌ی^۴ طبیعی جذب شوند. در واقع دل‌بستگی به مکان ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین شکل می‌گیرد و مبنای نحوه‌ی

-
- 1- Validity
 - 2- Morgan
 - 3- Low & Altman
 - 4- setting

ادراک گروه یا فرد از مکان و نحوه‌ی ارتباط وی با آن می‌باشد" (لاو و آلمن، ۱۹۹۲: ۵).

پژوهشگران ارتباط انسان با مکان را در سطوح متفاوت فضایی، روانشناختی و اجتماعی نشان داده‌اند و به همین دلیل مفهوم دلبستگی مکانی در مطالعات مختلف به روش‌های متفاوتی تفسیر شده است. برخی اوقات، در بررسی‌هایی که به چندبعدی بودن دلبستگی مکانی توجه شده است، هرکدام از ابعاد دلبستگی مکانی تأثیر مختلفی بر مفاهیم مرتبط با دلبستگی مکانی داشته‌اند (کایل^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ استدمن^۲، ۲۰۰۳؛ ورکین و ریس^۳، ۲۰۰۱). بیشتر مطالعات دلبستگی مکانی، روی چند بُعدی بودن این مفهوم اتفاق نظر کامل دارند اما در هرکدام از این مطالعات، تعداد ابعاد متفاوتی برای این سازه در نظر گرفته شده است؛ برخی آن را دارای چهار بُعد وابستگی مکانی^۴، هویت مکانی^۵، عواطف مکانی^۶ و پیوند اجتماعی در مکان^۷ (رامکیسون^۸ و همکاران، ۲۰۱۳؛ رامکیسون، اسمیت و ویلر^۹، ۲۰۱۳؛ اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰) و برخی دیگر برای آن، سه بُعد وابستگی مکانی، هویت مکانی و عواطف مکانی (یوکسل^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۰) و برخی نیز دلبستگی مکانی را بر اساس دو بُعد وابستگی مکانی و هویت مکانی (بریکر و کرستتر^{۱۱}، ۲۰۰۲) تعریف نموده‌اند؛ پژوهشگرانی که این سازه را با دو بُعد وابستگی مکانی و هویت مکانی عملیاتی کرده‌اند، بر این عقیده بودند که معنای عواطف مکانی در بُعد هویت مکانی پنهان است و نشان از تعامل حسی انسان و مکان است و همین طور پیوندهای اجتماعی در مکان نیز زیرمجموعه‌ای از بُعد وابستگی مکانی بوده که جزء عملکردی سازه دلبستگی مکانی است؛ به این دلیل در نظر گرفتن چهار بُعد که دو به دو همپوشانی زیادی با یکدیگر دارند را اقدام زائدی می‌دانند. مفهوم دلبستگی مکانی از سه

- 1- Kyle
- 2- Stedman
- 3- Vorkinn & Riese
- 4- place dependence
- 5- place identity
- 6- place affect
- 7- place social bonding
- 8- Ramkisson
- 9- Smith, & Weiler
- 10- Yuksel
- 11- Bricker, Kerstetter

جنبه مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد؛ پژوهشگران دلبستگی مکانی را مفهومی با جنبه‌های شخص، فرایند روانشناختی و مکان معرفی می‌کنند.

جنبه‌ی شخصی دلبستگی مکانی در دو بُعد فردی و جمعی (گروهی) رخ می‌دهد. سطح فردی دلبستگی مکانی، ارتباط شخصی با محیط را شامل می‌شود برای مثال، دلبستگی مکانی در محیط‌هایی که خاطرات در آنها جریان دارند، قوی‌تر است؛ همچنین، مکان‌هایی که توسط تجربیات مهم افراد مانند ادراکات و وقایع مهم زندگی (برای نمونه، جایی که من برای اولین بار فرد مهمی را ملاقات کردم) آنها معنادار شده‌اند، مورد دلبستگی بیشتری واقع می‌شوند. مانزو^۱ (۷۴:۲۰۰۵) "تجربه در مکان" را مهم‌ترین ویژگی جنبه‌ی شخصی دلبستگی مکانی می‌داند که به مکان، معنا می‌بخشد؛ تجربیات و خاطرات، مکان‌ها را با اهمیت و معنادار می‌سازند. در سطح گروهی نیز معنای نمادین مکانی که برای همه‌ی اعضا مشترک است، دلبستگی می‌آفریند. دلبستگی مکانی می‌تواند در گروه‌هایی مانند مذاهب، جنسیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به وجود آید. فرهنگ، اعضا را از طریق تجربه‌ی تاریخی، ارزش‌ها و نمادها پیوند می‌دهد.

جنبه‌ی دیگر دلبستگی مکانی روش‌های پیوند فرد با مکان را مشخص می‌کند. فرایند روانشناختی دلبستگی مکانی شامل ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری است؛ این ساختار دلبستگی مکانی مشابه ساختار برخی مفاهیم اجتماعی- روانشناختی مانند نگرش و قضاوت است که در تعاریف مفهومی و عملیاتی آنها، محتوای عاطفی، شناختی و رفتاریشان مورد توجه قرار می‌گیرد.

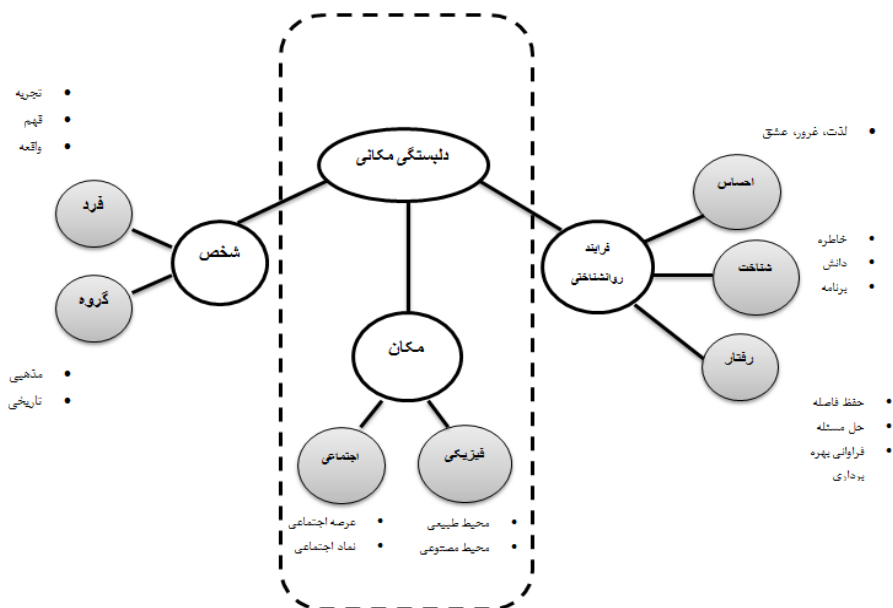
جنبه‌ی سوم بررسی دلبستگی مکانی که در این پژوهش مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، مکانی است که مورد دلبستگی قرار می‌گیرد که به عبارتی مهم‌ترین جنبه‌ی مفهوم دلبستگی مکانی است. مکان مورد بحث در مفهوم دلبستگی مکانی می‌تواند در مقیاس‌های مختلفی مانند اتاق شخصی، خانه، محله، شهر و جهان قرار گیرد (اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰) و دارای دو بُعد دلبستگی به مکان فیزیکی (کالبدی)^۲ و دلبستگی به محیط اجتماعی^۳ مربوط به

1- Manzo

2- physical place attachment

3- civic place attachment

به مکان است. دلبستگی به مکانی خاص می‌تواند به خاطر ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های کالبدی و یا هر دوی آنها باشد. هیدالگو و هرناندز^۱ (۲۰۰۱) ابعاد کالبدی و اجتماعی دلبستگی مکانی را در سه سطح متفاوت (خانه، محله و شهر) اندازه‌گیری کرده‌اند. آنها دریافتند که شدت دلبستگی بسته به سطح مورد تحلیل متفاوت است: شدیدترین دلبستگی مربوط به خانه و شهر گزارش شده است. دلبستگی مکانی اجتماعی نمونه‌ی دلبستگی مکانی نمادین گروهی است که در سطح شهر رخ می‌دهد (هیدالگو و هرناندز، ۲۰۰۱؛ ورکین و ریس، ۲۰۰۱). ملی‌گرایی نیز از دیگر نمونه‌های دلبستگی و هویت نسبت به مکان است که البته در سطحی گسترده‌تر از مقیاس شهری رخ می‌دهد (بنیتو و همکاران، ۲۰۰۲).



نمودار ۱: جنبه‌های سه‌گانه‌ی قابل بررسی در مفهوم دلبستگی مکانی

در نمودار بالا، در بخش خط چین مورد نظر این پژوهش، مکان با دو بُعد فیزیکی و اجتماعی مورد توجه قرار داده شده است. بُعد فیزیکی مکان، جنبه‌های طبیعی و بکر و

1- Hidalgo & Hernandez
2- Bonaiuto

همین طور محیط مصنوعی و ساخته شده به دست انسان را در بر می‌گیرد؛ بُعد اجتماعی مکان نیز پیوندهای اجتماعی در مکان و نمادهای اجتماعی موجود در مکان را شامل می‌شود. البته در این پژوهش، از انواع دلبستگی مطرح شده، دلبستگی به محیط طبیعی مکان^۱ و دلبستگی به محیط اجتماعی مکان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بررسی‌های پیشین بیان شده است که دلبستگی مکانی دارای دو بُعد وابستگی و هویت است (واسکه و کوربین^۲، ۲۰۰۱) که در این پژوهش نیز به نوعی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ به این صورت که وابستگی افراد به مکان با دو وجه وابستگی به ویژگی‌های طبیعی مکان و وابستگی به محیط اجتماعی یا پیوندهای اجتماعی در مکان مورد توجه قرار داده شده است. همین امر در مورد بُعد هویت مکانی افراد نیز صادق است؛ هویت مکانی افراد حاصل از ویژگی‌های کالبدی و طبیعی مکان و محیط اجتماعی آن در نظر گرفته شده است.

هویت محیطی^۳ یا هویت مکانی یکی از مفاهیم مرتبط با دلبستگی مکانی است که شمول محیط طبیعی و اجتماعی را در خودپنداره‌ی فرد توضیح می‌دهد. مطالعات صورت گرفته، هویت مکانی را نوعی دلبستگی احساسی به مکان عنوان کرده‌اند (واسکه و کوربین، ۲۰۰۱). هویت مکانی، بر اساس عناصر نمادین (مثل نام مکان)، عامل زمان، نوع تجارب کسب شده در مکان، دستاوردهای حسی و روانشناختی فرد در رابطه با مکان، خاطرات، گذشته‌ی مکانی فرد، ابعاد بومی و محلی، کیفیت مکان و کسب تجارب خاص در آن شکل می‌گیرد؛ چنانکه فرد بر این پایه، خود را با آن مکان باز می‌شناسد و با آن احساس این همانی دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

وابستگی مکانی^۴ که برخی پژوهشگران آن را دلبستگی کارکردی^۵ می‌نامند، توانایی مکان در برآوردن نیازهای فرد و دستیابی آنها به اهدافشان است. هرچه ویژگی‌های

-
- 1- Natural Place Attachment
 - 2- Vaske, Korbin
 - 3- environmental identity
 - 4- place dependence
 - 5- functional attachment

کالبدی (محیط طبیعی و مصنوعی) مکان و یا محیط اجتماعی آن، امکانات و منابع مفیدی برای مرتفع نمودن نیازها و نیز دستیابی افراد به اهدافشان در خود داشته باشد، وابستگی افراد به مکان بیشتر می‌شود؛ بنابراین، بسته به اینکه امکانات و منابع مربوط به کالبد و فیزیک مکان باشد و یا پیوندهای اجتماعی درون آن، وابستگی مکانی می‌تواند وابستگی کالبدی و یا اجتماعی باشد. وابستگی مکانی حاصل آگاهی فرد از منحصر به فرد بودن آن مکان برای او است. هرچه این وابستگی به مکان بیشتر باشد، تمایل فرد به تغییر مکان به خاطر مکانی دیگر کمتر می‌شود و وفاداری بیشتر فرد به مکان را به همراه دارد (اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰). ادبیات نظری پیشین نشان می‌دهد که وابستگی مکانی از دلبستگی افراد به مکان ناشی می‌شود (هالپنی^۱، ۲۰۱۰؛ ریموند^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). سنجش میزان وابستگی افراد به مکان، برای فهم الگوهای عملکردی افراد در مکان ضروری است. برخی مطالعات از همبستگی و وابستگی افراد به مکان‌های خاص با میزان توسعه و توجه به حفاظت از آن مکان‌ها خبر می‌دهند (رامکیسون و همکاران، ۲۰۱۳).

روش پژوهش:

پژوهش حاضر به لحاظ هدف مطالعه، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و از نظر روش، از روش توصیفی و پیمایشی بهره برده است. پژوهش، از نظر زمانی مقطعی و از نظر وسعت، پهنانگر است. جامعه‌ی آماری در این بررسی، کلیه‌ی شهروندان در بازه‌ی سنی ۱۵ تا ۷۵ ساله شهر تبریز هستند که در زمان انجام این بررسی در شهر تبریز سکونت داشته‌اند. نمونه‌ی مورد بررسی، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده که تعداد ۴۳۲ نفر از شهروندان را شامل می‌شود و واحد مکانی مورد بررسی نیز شهر تبریز است. شهر تبریز به عنوان بزرگ‌ترین شهر در شمال غرب و غرب کشور ایران، دارای مرکزیت سیاسی، اداری، صنعتی و اقتصادی در منطقه است. این شهر دارای شهروندانی با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی مختلف است و از سویی نیز طیف وسیعی از شهروندان این شهر نیز به علت مهاجرت به این شهر، از نظر سابقه‌ی

1- Halpenny
2- Raymond

سکونت در تبریز با یکدیگر متفاوتند که برای پژوهش حاضر درباره‌ی سازه‌ی دلبستگی مکانی و در کل، بررسی‌های جامعه‌شناختی مورد مناسبی به نظر می‌رسند. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از پرسشنامه‌ی دلبستگی مکانی که با بهره‌گیری از منابع پیشین توسط پژوهشگر ساخته شده است، استفاده شد.

در این پژوهش برای عملیاتی نمودن سازه‌ی دلبستگی مکانی بر اساس پیشینه‌ی نظری این مفهوم، از چهار عامل وابستگی به محیط طبیعی مکان، وابستگی به محیط اجتماعی مکان، هویت ناشی از محیط طبیعی مکان و هویت ناشی از محیط اجتماعی مکان بهره برده شد. برای سهولت کار، وابستگی به محیط طبیعی مکان، وابستگی کالبدی و وابستگی به محیط اجتماعی مکان، وابستگی اجتماعی اطلاق می‌گردد. در رابطه با هویت مربوط به محیط طبیعی مکان و هویت مربوط به محیط اجتماعی مکان نیز مفاهیم هویت کالبدی و هویت اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. تعاریف این ابعاد و شاخص‌ها، به طور ویژه به شرح زیر است:

- دلبستگی مکانی: دلبستگی به مکان ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین شکل می‌گیرد و مبنای نحوه‌ی ادراک گروه یا فرد از مکان و نحوه ارتباط وی با آن می‌باشد" (لاو و آلمن، ۱۹۹۲: ۵).
- وابستگی مکانی:
 - وابستگی به محیط طبیعی مکان (وابستگی طبیعی): وابستگی طبیعی جزء عملکردی دلبستگی طبیعی است که منابع و امکانات محیط طبیعی مکان را برای رفع نیازهای فرد و نیز دستیابی او به اهداف مورد نظر او مورد توجه قرار می‌دهد (اسکنل، ۲۰۰۳).
 - وابستگی به محیط اجتماعی مکان (وابستگی اجتماعی): وابستگی اجتماعی جزء عملکردی دلبستگی اجتماعی است که منابع و امکانات محیط اجتماعی و گروه‌های اجتماعی در مکان مورد نظر برای رفع نیازهای فرد و نیز تحقق اهداف او مورد توجه قرار می‌گیرد؛ هرچه توانایی امکانات اجتماعی مکان برای انجام فعالیت‌های

مورد نظر فرد بیشتر باشد، وابستگی اجتماعی فرد به مکان بیشتر می‌گردد (اسکنل، ۲۰۰۳).

- هویت مکانی:

- هویت محیط طبیعی (هویت طبیعی): شمول طبیعت در خودپنداره‌ی فرد؛ به عبارت دیگر، احساسی که فرد را بیشتر به دنیای طبیعی شبیه می‌کند و در این حالت او به ارزش‌ها و اهدافی بر مبنای ارگانسیم‌های طبیعی متمایل است.

- هویت محیط اجتماعی (هویت اجتماعی): برجستگی نقش محیط اجتماعی مکان در شکل‌گیری خودپنداره‌ی فرد. در این حالت، فرد بر پایه‌ی گروه‌های اجتماعی واقع در مکان مورد نظر که در آنها عضویت دارد و نیز پیوندهای اجتماعی با افراد حاضر در مکان خود را باز می‌شناسد و با آن احساس این همانی دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

- مکان: فضای فیزیکی، زمانی که فرایندهای فردی، گروهی و یا فرهنگی از طریق آن معنا پیدا کنند، "مکان" نامیده می‌شود (لاو و آلتمن، ۱۹۹۲). در این پژوهش، واحد مکانی مورد نظر، شهر تبریز است که دو بُعد محیط طبیعی و محیط اجتماعی شهر تبریز در ارتباط با مفاهیم مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای ساخت مقیاس دلبستگی مکانی، ابتدا منابع موجود و در دسترس در رابطه با موضوع پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در پژوهش‌های بررسی شده انواع مقیاس‌ها برای سازه‌ی دلبستگی مکانی ساخته شده و مورد آزمون قرار گرفته بود؛ اما هیچ کدام از آنها برای متن اجتماعی جامعه‌ی ایران و شهروندان ایرانی قابلیت استفاده نداشتند. در نهایت، با تکیه بر مدل معرفی شده در نمودار شماره‌ی (۱) تعریف عملیاتی مفهوم دلبستگی مکانی انجام شده و گویه‌های مربوط به شاخص‌های مربوط با استناد به مطالعه رامکیسون و همکاران (۲۰۱۳)، کایل و همکاران (۲۰۰۴) و ویلیامز و واسکه^۱ (۲۰۰۳)، اسکنل (۲۰۰۳) و اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰) و البته با تغییرات اساسی با توجه

1- Williams and Vaske

به متن جامعه‌ی مورد بررسی تهیه شده است. در ابتدا نمونه‌ی اصلی مقیاس‌ها به فارسی ترجمه شده است. ترجمه‌ی فارسی مقیاس‌های فوق، بار دیگر با همراهی کارشناس زبان انگلیسی مورد بازبینی و اصلاح قرار می‌گیرد تا احتمال هرگونه تغییر در متون اصلی بررسی گردد. البته در گویه‌های مورد نظر، تعدیل‌های متعددی با توجه به فرهنگ جامعه‌ی ایرانی و نیز مکان مورد نظر در این پژوهش (شهر تبریز) در نظر گرفته شده و اعمال گردید. در نتیجه، گویه‌های زیر برای شاخص‌های وابستگی کالبدی و اجتماعی و هویت کالبدی و اجتماعی برای اعتباریابی نهایی گردید:

➤ مقیاس وابستگی کالبدی:

۱. وقتی دور از شهر تبریز هستم، اولین چیزی که دلتنگ آن می‌شوم، آب و هوا و زیبایی‌های طبیعی آن است.
۲. من به خاطر مناظر طبیعی و آب و هوای شهر تبریز می‌خواهم در این شهر ماندگار باشم.
۳. نمی‌توانم روزی را تصور کنم که مناظر طبیعی شهر تبریز از بین بروند.
۴. طبیعت تبریز بهترین مکان برای فعالیت‌های مورد علاقه‌ی من است.
۵. به نظر من جذاب‌ترین مکان برای مسافران در شهر تبریز طبیعت زیبای آن است.
۶. به نظر من طبیعت تبریز را هیچ شهر دیگری ندارد.
۷. برای من گشت و گذار در طبیعت شهر تبریز بر هر تفریح دیگری برتری دارد.
۸. لذت بخش‌ترین کار برای من حضور در طبیعت شهر تبریز است.

➤ مقیاس وابستگی اجتماعی:

۱. زمانی که دور از تبریز هستم، بیشتر از همه دلتنگ همشهری‌های خودم می‌شوم.
۲. فکر نمی‌کنم مردم شهر تبریز را شهر دیگری داشته باشد.
۳. شهر تبریز بهترین شهر برای رسیدن به اهداف و تحقق آرزوهای من است.
۴. من از حضور در میان مردم شهر تبریز و ارتباط با آنها لذت می‌برم.
۵. شهر تبریز را مانند خانه‌ی خودم دوست دارم.
۶. سفر به شهر تبریز را به مردم شهرهای دیگر توصیه می‌کنم.

۷. اغلب، دوستان تبریزی من در اولویت‌م هستند.
۸. یکی از مهم‌ترین اهداف حضور من در محیط‌های مختلف شهر تبریز، یافتن دوستان بیشتر است.

➤ مقیاس هویت کالبدی:

۱. طبیعت شهر تبریز همانند آینه‌ای است که خود را در آن می‌بینم.
۲. پارک‌ها و فضای سبز تبریز نسبت به دیگر شهرها خاص و منحصر به فرد است.
۳. من با تاریخ طبیعی و جغرافیایی شهر تبریز آشنایی دارم.
۴. مناظر طبیعی شهر تبریز مرا به یاد دوران کودکی‌ام می‌اندازد.
۵. من به مناظر طبیعی و آب و هوای شهر تبریز می‌نازم.
۶. من به راحتی می‌توانم با طبیعت شهر تبریز ارتباط عاطفی برقرار کنم.
۷. طبیعت شهر تبریز بخشی از وجود من است.
۸. اطرافیانم مرا به عنوان فردی طبیعت‌دوست می‌شناسند.
۹. در طبیعت شهر تبریز می‌توانم خودم باشم.
۱۰. من حس تعلق شدیدی به محیط طبیعی شهر تبریز دارم.
۱۱. خاطرات کودکی من با طبیعت شهر تبریز گره خورده است.

➤ مقیاس هویت اجتماعی:

۱. معمولاً در جمع افراد ناآشنا، هنگام معرفی خود، تبریزی بودنم را اعلام می‌کنم.
۲. اگر دست من بود، در انتهای فامیلی خود پسوند تبریزی اضافه می‌کردم.
۳. شهر تبریز را شهر اولین‌ها می‌دانم.
۴. خیابان‌ها و محله‌های شهر تبریز همیشه مرا به یاد دوران کودکی‌ام می‌اندازد.
۵. اگر روزی نام شهر تبریز تغییر کند، خیلی تأسف بار خواهد بود.
۶. من به وجود همشهری‌های خود افتخار می‌کنم.
۷. من اغلب علاقه‌مند به دوستی با مردم شهر تبریز هستم.
۸. من اغلب با همشهری‌های خود روابط گرم و دوستانه‌ای دارم.

۹. من در جمع مردم شهر تبریز راحت‌ترم.

۱۰. من حس تعلق شدیدی به همشهری‌های خود دارم.

۱۱. من به تاریخ اجتماعی و سیاسی شهر تبریز افتخار می‌کنم.

زمان و نحوه‌ی اجرای آزمون برای شهروندان آزمودنی، تا حدودی متفاوت تعیین گردید. برای شهروندانی که بی‌سواد بودند، پرسشگران آموزش‌دیده و توجیه شده در نظر گرفته شد تا سؤالات را بدون سوگیری خاص و بدون تلقین گزینه‌ها برای آزمودنی خوانده و آنان پاسخ مورد نظر خود را اعلام کنند. برای شهروندان با تحصیلات زیر دیپلم نیز تا ۳۰ دقیقه و برای شهروندان بالای دیپلم تا بیست دقیقه زمان پاسخگویی در نظر گرفته شد. از آزمودنی‌ها خواسته شد تا نظر خود را درباره‌ی گویه‌های فوق در محدوده‌ی شش پاسخ «کاملاً موافقم، موافقم، تا حدی موافقم، تا حدی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم» اظهار کنند. نمرات این گزینه‌ها از امتیاز ۱ تا ۶ در مقیاس لیکرت تعیین شده است. میانگین گویه‌های مربوط به هر شاخص محاسبه شده و همین‌طور برای تعیین امتیاز دل‌بستگی مکانی آزمودنی‌ها، میانگین نمرات چهار شاخص بالا محاسبه شده است.

روش‌های تحلیل و بررسی داده‌ها:

به تناسب اهداف پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی در نرم‌افزارهای اس پی اس^۱ و لیزرل^۲ بهره گرفته شد. برای بررسی اعتبار سازه‌ای از تحلیل عاملی به شیوه‌ی تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۳ در نرم‌افزار اس پی اس استفاده شد. در بررسی پایایی^۴ مقیاس، از شیوه‌ی همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به روش حذف گویه بهره برده شد.

یافته‌ها:

اولین سؤال این پژوهش مربوط به اعتبار مقیاس تدوین شده برای سازه‌ی دل‌بستگی

1- SPSS

2- LISREL

3- Principle Component Analysis

4- Reliability

مکانی است. آیا مقیاس دلبستگی مکانی از اعتبار قابل قبولی برخوردار است؟ اعتبار مقیاس دلبستگی مکانی به دو صورت اعتبار محتوایی و اعتبار سازه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی اعتبار محتوایی آزمون در اختیار چند تن از استادان جامعه‌شناسی قرار گرفته و از آنان خواسته شد تا درباره‌ی میزان مطابقت هر گویه با شاخص‌های مورد نظر و سازه‌ی دلبستگی مکانی نظر خود را اعلام کنند؛ استادان تا حدود زیادی درباره‌ی اعتبار محتوایی آزمون توافق نظر داشتند و در مواردی نیز اصلاحات مورد نظر آنها در پرسشنامه‌ی دلبستگی مکانی اعمال گردید.

برای بررسی اعتبار سازه‌ای مقیاس، گویه‌های استخراج شده بر اساس سازه‌های نظری موجود از راه تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شدند با این هدف که گویه‌های بدون رابطه با زیرمقیاس مربوط و گویه‌های با بار عاملی کوچکتر از ۰/۵ و گویه‌های دارای چند بار عاملی بالاتر از ۰/۵ از مقیاس دلبستگی مکانی حذف شوند. در مرحله‌ی نخست، برای بررسی مناسب بودن داده‌های جمع‌آوری شده از دو آزمون بارتلت^۱ و کی‌ام^۲ استفاده گردید که مقدار آن برای ماتریس همبستگی پرسش‌ها ۰/۷۰۷ و مقدار آزمون بارتلت درباره‌ی کفایت محتوای پرسشنامه ۵۴۳/۴۳ در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. پس از اطمینان از دو شاخص بالا، با استفاده از تحلیل عاملی به شیوه‌ی مؤلفه‌های اصلی، گویه‌های مقیاس مورد نظر تحلیل عاملی گردید که بهترین ترکیب محتوایی با توجه به نمودار اسکری^۳ و درصد واریانس‌ها ماتریس ۴ عاملی بود. پس از چرخش ماتریس عامل‌های مقیاس به شیوه‌ی متعامد^۴ محتوای هریک از عامل‌ها بر پایه‌ی بار عاملی هر پرسش مشخص گردید؛ پس از بررسی گویه‌های هر عامل با مشاوره استادان، نامگذاری عامل‌ها صورت پذیرفت. مقادیر ویژه در هر چهار عامل مشخص شد که بر روی هم ۷۷/۹۴ درصد از واریانس مقیاس دلبستگی مکانی را تبیین می‌کنند؛ به گونه‌ای که عامل اول وابستگی کالبدی با ۶ گویه ۱۹/۲۹ درصد از واریانس، عامل دوم وابستگی اجتماعی

- 1- Bartlett test of sphericity
- 2- Kaiser- Meyerolkin (KMO)
- 3- Scree Plot
- 4- Varimax

با ۴ گویه ۱۷/۳۸ درصد از واریانس، عامل سوم هویت کالبدی با ۵ گویه ۲۳/۶۶ درصد از واریانس و عامل چهارم، هویت اجتماعی با ۵ گویه ۱۷/۶۱ درصد از واریانس مقیاس دلبستگی مکانی را تبیین نموده‌اند. پس از تحلیل عاملی اکتشافی تعداد ۱۸ گویه که بر روی هیچ یک از عوامل دارای بار عاملی نبودند از مقیاس دلبستگی مکانی حذف گردید. گویه‌های باقیمانده در ترکیب مقیاس دلبستگی مکانی در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل عامل پرسشنامه‌ی دلبستگی مکانی چندبعدی با بارعاملی گویه‌ها به روش

چرخش واریماکس

میزان واریانس تبیینی	ارزش ویژه	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	دلبستگی مکانی
		هویت اجتماعی	هویت کالبدی	وابستگی اجتماعی	وابستگی کالبدی	
۱۹/۲۹	۳/۱۲۹				۰/۷۵	گویه ۳ وابستگی کالبدی
					۰/۶۵	گویه ۴ وابستگی کالبدی
					۰/۹۵	گویه ۵ وابستگی کالبدی
					۰/۷۸	گویه ۶ وابستگی کالبدی
					۰/۶۶	گویه ۷ وابستگی کالبدی
					۰/۷۶	گویه ۸ وابستگی کالبدی
۱۷/۳۸	۱/۳۰۶			۰/۷۸		گویه ۳ وابستگی اجتماعی
				۰/۸۲		گویه ۴ وابستگی اجتماعی
				۰/۸		گویه ۵ وابستگی

میزان واریانس تبیینی	ارزش ویژه	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول
				۰/۸۸	اجتماعی گویه ۶ وابستگی اجتماعی
۲۳/۶۶	۵/۵۲۹		۰/۷۳		گویه ۱ هویت کالبدی
			۰/۸۱		گویه ۵ هویت کالبدی
			۰/۸۶		گویه ۶ هویت کالبدی
			۰/۸۱		گویه ۷ هویت کالبدی
			۰/۶		گویه ۹ هویت کالبدی
۱۷/۶۱	۱/۶۲۵	۰/۵۸			گویه ۶ هویت اجتماعی
		۰/۸۳			گویه ۷ هویت اجتماعی
		۰/۸۹			گویه ۸ هویت اجتماعی
		۰/۶۸			گویه ۹ هویت اجتماعی
		۰/۷۸			گویه ۱۰ هویت اجتماعی
واریانس کل ۷۷/۹۴					

یکی دیگر از روش‌های بررسی اعتبار سازه‌ای مقیاس، ساختن فرضیه بر اساس

پیشینه‌ی پژوهش و سپس آزمون فرضیه است. به همین منظور بر اساس پیشینه‌های مطالعاتی درباره‌ی مفهوم دلبستگی مکانی، فرضیه‌ای طراحی شده و مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه: بین ابعاد دلبستگی مکانی و سابقه‌ی سکونت در شهر تبریز رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

برای بررسی فرضیه‌ی بالا از آزمون ضریب همبستگی استفاده شد. نتایج در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی ابعاد دلبستگی مکانی با سابقه‌ی سکونت

ابعاد دلبستگی مکانی				
وابستگی کالبدی	وابستگی اجتماعی	هویت کالبدی	هویت اجتماعی	
*۰/۴۰۸	۰/۳۴۴	**۰/۵۹۴	**۰/۵۸۹	سابقه‌ی سکونت در مکان
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.				
* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.				

دومین سؤال مربوط به این پژوهش مربوط به پایایی مقیاس ساخته شده برای مفهوم دلبستگی مکانی است. آیا آزمون دلبستگی مکانی تدوین شده از پایایی قابل قبولی برخوردار است؟

برای بررسی پایایی مقیاس دلبستگی مکانی از آماره‌ی آلفای کرونباخ به شرط حذف گویه بهره برده شده است. این ضریب برای سنجش میزان تک بُعدی بودن نگرش‌ها، عقاید و قضاوت‌ها و به طور کلی، محاسبه‌ی هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری به کار می‌رود. جدول زیر مقادیر آلفا را برای مقیاس و خرده مقیاس‌های مربوط به دلبستگی مکانی نمایش می‌دهد.

جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های دلبستگی مکانی

مقیاس	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
وابستگی کالبدی	۶	۰/۸۸۴
وابستگی اجتماعی	۴	۰/۸۸۱
هویت کالبدی	۵	۰/۸۸۲
هویت اجتماعی	۵	۰/۹۰۳

دلبستگی مکانی	۲۰	۰/۹۵۱
---------------	----	-------

دلبستگی مکانی دارای هماهنگی درونی کافی است، زیرا دارای ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ است؛ البته برای خرده مقیاس‌های وابستگی کالبدی و اجتماعی و هویت کالبدی و اجتماعی نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده است که این مقادیر نیز برای همسانی درونی گویه‌ها و در نتیجه پایایی مقیاس قابل قبول است.

سومین سؤال پژوهش این است که آیا خرده مقیاس‌های وابستگی کالبدی، وابستگی اجتماعی، هویت کالبدی و هویت اجتماعی با عنوان مقیاس دلبستگی مکانی قرار می‌گیرند؟

برای پاسخ به این سؤال، از تحلیل عاملی تأییدی به روش حداکثر برآورد درست‌نمایی^۱ برای ارزیابی برازندگی داده‌ها با مدل مورد نظر، استفاده می‌شود. منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوط سازگاری و توافق دارد. البته شاخص‌های برازش تضمین نمی‌کنند که مدل به دست آمده یک مدل مفید و پذیرفتنی است؛ زیرا ممکن است مدل‌های زیادی وجود داشته باشند که از برازش برابر با همین مدل و یا بهتر از آن برخوردار باشند. با این حال، در یک مدل، شاخص‌های برازش ضعیف شواهدی هستند مبنی بر اینکه مدل مورد نظر به وسیله داده‌های استفاده شده حمایت نمی‌شود (کلانتری، ۱۳۸۸:۱۱۶). در این رابطه دو مدل مورد آزمون قرار گرفت؛ مدل اول با چهار عامل ناهمبسته و مدل دوم با چهار عامل مرتبط با یک عامل مرتبه بالاتر (دلبستگی مکانی). مقیاس دلبستگی مکانی به عنوان یک متغیر نهفته و هر عامل به عنوان یک شاخص در نظر گرفته شد.

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش دو الگوی مورد آزمون

RMSEA	GFI	CFI	NFI	NNFI	P	$\frac{X^2}{df}$	df	X ²	
6.933	0.662	0.000	0.007	0.43	0.000	55.982	6	335.894	الگوی اول
0.365	0.995	0.996	0.990	0.753	0.202	1.600	2	3.200	الگوی

1- Maximum Likelihood

									دوم
--	--	--	--	--	--	--	--	--	-----

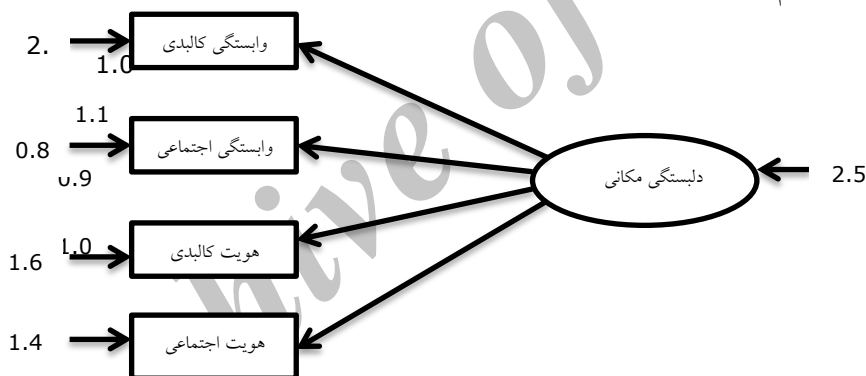
آماره‌ی کای اسکوتر، روش سنتی برای ارزیابی برازش مدل است. بر اساس این آماره، فرض صفر این است که مدل به طور کامل با داده‌های جامعه‌ی آماری برازش دارد (همان). نتایج نشان داد که مدل دوم با داده‌ها برازندگی مناسب‌تری را داراست. کای اسکوتر محاسبه شده در مدل اول معنادار است و در مدل دوم معنادار نیست؛ معناداری در این مورد حاکی از عدم برازش مدل برای جامعه است. البته این آماره به حجم نمونه بسیار حساس است و باید در استفاده از آن احتیاط کرد.

ریشه‌ی میانگین توان دوم خطای تقریب^۱ بر خطای تقریب (یعنی اختلاف بین ماتریس کوواریانس تخمینی جامعه‌ی آماری و ماتریس کوواریانس نمونه) تأکید دارد؛ در صورتی که مقدار آن بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد، برازش قابل قبول، اگر بین ۰/۰۸ و ۰/۱ باشد برازش متوسط و اگر بزرگتر از ۰/۱ باشد برازش ضعیف است (همان). مقدار خطا در دو مدل نیز محاسبه گردید و نتایج نشان داد که مقدار خطای میانگین مجذورات در مدل اول ۶/۰۹۵ و در مدل دوم ۰/۳۶۵ می‌باشد؛ بنابراین هیچکدام از مدل‌ها را دارای برازندگی خوب گزارش نمی‌دهد.

علاوه بر آماره‌ی کای اسکوتر و ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب که به منظور تعیین مناسب بودن برازش مدل با داده‌ها به کار می‌رود باید شاخص برازندگی بهنجار نشده^۲، شاخص برازندگی بهنجار شده^۳، شاخص برازندگی تطبیقی^۴ نیز محاسبه شوند. این شاخص‌ها به مقایسه‌ی شاخص‌های برازش نسبی می‌پردازند و نشان می‌دهند که تا چه حد برازش مدل نسبت به مدل خط پایه^۵ که در واقع مدل استقلال است، مناسب‌تر است؛ به استثنای شاخص برازندگی بهنجار نشده که می‌تواند بزرگتر از ۱ باشد، دو آماره‌ی دیگر بین صفر و یک قرار دارند و هرچه به یک نزدیک‌تر باشند، نشان از برازش خوب مدل دارند. شاخص‌های شاخص‌های برازندگی بهنجار شده و شاخص برازندگی

-
- 1- RMSEA
 - 2- Non-Normed Fit Index (NNFI)
 - 3- Normed Fit Index (NFI)
 - 4- Comparative Fit Index (CFI)
 - 5- Baseline Model

تطبیقی دارای مقادیر ۰/۹۹۰ و ۰/۹۹۶ برای مدل دوم بوده و نشان از برازش خوب مدل دوم دارند؛ اما مقدار شاخص برازندگی بهنجار نشده در هر دو مدل کمتر ۰/۹ است و مناسب بودن هیچکدام را برای داده‌ها تأیید نمی‌کند. شاخص برازندگی بهنجار شده تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد و گاهی اوقات مقدار آن کمتر از ۰/۹ می‌شود. برای اطمینان بیشتر، شاخص خوبی برازندگی^۱ محاسبه می‌شود که بر اساس پارامتر جامعه است و تحت تأثیر حجم نمونه قرار نمی‌گیرد. مقدار این شاخص برای برازش مدل، باید بالاتر از ۰/۹ باشد که برای مدل دوم ۰/۹۹۵ گزارش شده است. شاخص‌های برآورد گردیده در جدول بالا به استثنای ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب و شاخص برازندگی بهنجار نشده همگی حاکی از برازندگی مناسب الگو با داده‌ها در الگوی دوم است.



نمودار ۲: بارهای عاملی و واریانس‌های باقیمانده

بحث و نتیجه‌گیری:

امروزه روند تکاملی شهرها بر علوم انسانی نیز تأثیرگذار بوده و مفاهیم جدیدی در راستای تبیین پدیده‌ها و وقایع اجتماعی در متن فضاها و محیط شهری خلق می‌گردند. از جمله‌ی این مفاهیم، دلبستگی مکانی است که در دهه‌های اخیر وارد مباحث علوم انسانی و بخصوص رشته‌ی جامعه‌شناسی شهری شده است. از جمله مکان‌هایی که در

این مباحث بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند، خانه، محله و شهر می‌باشند. به نظر می‌رسد دلیل اهمیت ویژه‌ی این سه مکان در مباحث علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی شهری، تأثیرگذاری بیشتر آنها در روابط اجتماعی انسانی است. هدف از انجام این پژوهش، ساخت و اعتباریابی آزمون‌ی برای سنجش سازه‌ی دلبستگی مکانی در افراد بود. سازه‌ی دلبستگی مکانی یکی از مفاهیم جدید بین رشته‌ای است که در جامعه‌شناسی محیط زیست، جامعه‌شناسی شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و... مورد استفاده قرار گرفته است. مکان مورد نظر در این پژوهش شهر تبریز و جامعه‌ی آماری مورد بررسی، شهروندان شهر تبریز که در زمان اجرای این پژوهش در شهر تبریز سکونت داشته‌اند، انتخاب گردیده است. از آنجا که ابعاد مختلف یک شهر می‌تواند مورد دلبستگی ساکنان آن قرار گیرد، در این پژوهش، بر بُعد کالبدی و اجتماعی شهر تبریز تمرکز شده است.

ورود مفهوم دلبستگی مکانی و توجه و تمرکز افزون بر این مفهوم در ادبیات رشته‌های مختلف علوم انسانی، ساخت مقیاس دلبستگی مکانی بررسی اعتبار و پایایی آن را ضروری ساخت. اعتبار این مقیاس، با دو شیوه‌ی اعتبار محتوایی و اعتبار سازه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی پایایی مقیاس دلبستگی مکانی از آماره‌ی آلفای کرونباخ به شرط حذف گویه بهره برده شد. از تحلیل عاملی تأییدی نیز برای بررسی برازندگی مدل فرض شده استفاده شد. نتایج به دست آمده در این پژوهش، تا حدود زیادی با ادبیات مفهوم دلبستگی مکانی که پیش از این تدوین گردیده‌اند، تناسب زیادی دارد؛ همان طور که در این بررسی، بر دلبستگی به ابعاد کالبد طبیعی و اجتماعی شهر تبریز تمرکز شده و به آنها بیش از ابعاد دیگر اهمیت داده شده است، در مطالعات قبلی درباره‌ی این مفهوم نیز ردی از این تفکر دیده می‌شود؛ کاساردا و جانویتز (۱۹۷۴) به نقل از امیرکافی (۱۳۹۰) نیز در بررسی دلبستگی به مکان، آن مفهوم را در دو بُعد مورد بررسی قرار داده‌اند:

- احساس ذهنی نسبت به مکان جغرافیایی؛

- روابط و شبکه‌های اجتماعی در مکان جغرافیایی.

در برخی مطالعات دیگر نیز بیان شده است که در شهرها از میان مکان‌هایی که افراد

بیشتر با آنها تماس داشته و درگیر بوده‌اند، مکان‌های طبیعی، نقش بسیار مهمی در گذران اوقات افراد و کسب تجربه‌های جدید در تعامل با محیط و افراد حاضر در آن دارند (اسپنجر^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰؛ استدمن، ۲۰۰۳). علاوه بر بعد کالبد طبیعی شهر، بعد اجتماعی شهر نیز در شکل‌گیری دلبستگی به آن نقش دارد. ارتباط مثبت بین فرد و کالبد شهری و احساس رضایت روحی او با ارتباطات اجتماعی موجود در شهر و پیوندهای اجتماعی شهروندان با یکدیگر در رابطه است، چنانکه کسب تجارب و برقراری تعاملات اجتماعی که برای فرد در شهر اتفاق می‌افتد، امکان معنا بخشیدن به آن را برای وی میسر کند. در این رابطه دو عامل دارای اهمیتند؛ هویت وابسته به شهر محل سکونت که وابسته به بوم، خاطرات مشترک و زمان است و دلبستگی به آن. بنابراین کیفیات کالبدی تنها یک بُعد از تجربه مکان هستند و اهمیت ارتباطات اجتماعی که در مکان‌ها و از جمله شهرها اتفاق می‌افتد، نباید مورد غفلت قرار گیرند. چنانکه برخی از محققان دلبستگی به مکان را مبتنی بر مشارکت مردم در مکان، میزان اشتغال به شبکه‌های اجتماعی و تعاملات فرهنگی دانسته‌اند که نقشی مساوی و یا حتی مهمتر از کالبد مکان دارند. دلبستگی به مکان با رشد تعامل مثبت افراد و تطابق اجتماعی آنها در مکان توسعه می‌یابد و قدرت دلبستگی به مکان با میزان و قدرت این ارتباطات، ارتباط مستقیم دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸)؛ بنابراین یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی، مهر تأییدی بر نتایج بررسی‌های پیشین در این رابطه است؛ بر این اساس دلبستگی به مکان با عوامل اجتماعی زیر در ارتباط است:

- ویژگی‌های گروهی و فردی کاربران مکان؛
 - میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان؛
 - میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مراسم جمعی (براون و ورنر^۲، ۱۹۸۵: ۵۳۵).
- با توجه به نتایج به دست آمده از این بررسی، به هر میزان که مکانی مانند شهر، بتواند پاسخگوی نیازها و انتظارات انسان باشد، دلبستگی او به آن مکان افزایش می‌یابد.

1- Snepenger

2- Brown & Werner

در این راستا، گاه دلبستگی به شهر در حد برآورده ساختن نیازهای فردی و یا وابستگی عملکردی فرد به مکان است و گاه نیز فراتر رفته و به معناداری و این همانی با مکان می‌انجامد و بدین ترتیب، هویت فردی او هماهنگ با کالبد مکان و ارتباطات و پیوندهای اجتماعی شکل می‌گیرد. در این حالت، شخص رابطه‌ی فردی و اجتماعی خود را با فضاهایی مانند شهر و عناصر و اجزای آن مشخص نموده و به استفاده از آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، فرهنگ الگوهای رفتاری را به وجود می‌آورد و سپس الگوهای رفتاری تعیین کننده و دنبال کننده‌ی چگونگی استفاده مردم از فضاها می‌شوند؛ به طور کلی، ماهیت و چگونگی فعالیت‌هایی که در فضاها شهری صورت می‌گیرد، نظیر بازارها، پارک‌ها، کوچه و خیابان‌ها، به عنوان عناصر اصلی فرم شهر و یا به عنوان نماد فرهنگی، به عوامل محیطی و فرهنگی مانند دلبستگی به آن مکان‌ها وابسته می‌گردد (نقدی، ۱۳۹۰: ۴۵).

زمانی که دلبستگی به جنبه کالبدی مکان پررنگ‌تر باشد، کالبد محیط نقش بیشتری در شکل‌گیری خودپنداره و هویت فرد خواهد داشت. حالت دوم شکل‌گیری هویت فرد زمانی است که محیط اجتماعی و پیوندهای اجتماعی در مکان برای شخص مورد نظر اهمیت بیشتری نسبت به ویژگی‌های کالبدی مکان داشته باشند؛ در این حالت، هویت شخص بیش از همه تحت تأثیر اجتماع و گروهی است که در مکان حاضر بوده و یا مکان مورد نظر نمادی از آن اجتماع و گروه است. هویت مکان در عین آنکه وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه‌ی جامعه‌پذیری اوست، انعکاس دهنده‌ی افراد و گروه‌هایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). به عبارتی، هویت یک مکان، تشخص یا تمایز مکانی ایجاد می‌کند که پایه‌ی شناخت آن به عنوان یک کل متمایز است. در واقع هویت مکان، آن چیزی است که افراد در ذهن خود درباره‌ی مکانی خاص می‌سازند و یا تصویر آن مکان برای آنهاست. هویت مکان، تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد، است (رلف، ۱۹۷۶ به نقل از دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). این امر با ساختار کالبدی مکان گره خورده و آن را از دیگر مکان‌ها متمایز می‌سازد؛ در عین

حال، هویت مکان نوعی دلبستگی عاطفی با مکان بر پایه‌ی اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و ارتباطات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می‌بخشد (ویلیامز و واسکه، ۲۰۰۳: ۸۳۰). آنچه در رابطه با مکان منحصر به فرد است "روح مکان" نام دارد که درون هویت ساخته می‌شود که می‌تواند با وجود تغییر در عناصر، پایدار بماند؛ مرکز این کیفیت، عاملی است که پرشانسکی^۱ گذشته‌ی مکانی فرد می‌نامد. این گذشته شامل نوع مکان‌ها و ویژگی‌هایی از آنهاست که به عنوان ابزاری در برآوردن نیازهای فرهنگی - اجتماعی، روانشناختی و فیزیولوژیکی فرد سهیمند (به نقل از دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

جامعه‌شناسی شهری انسان را شکل‌دهنده‌ی شهرها می‌پندارد و در روند نظریه‌پردازی، انسان را به عنوان عاملی سازنده دنبال می‌کند ولی در نهایت دو مفهوم انسان و شهر به تعاملی می‌رسند که هر دو به مثابه‌ی همزاد و لازم و ملزوم یکدیگر عنوان می‌گردند و بقا و حیات یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

منابع:

- امیرکافی، مهدی. شکوفه فتحی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله‌ی مسکونی (مطالعه‌ی موردی: شهر کرمان). مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران. دوره‌ی ۵. شماره‌ی ۱: ۳۷-۱۱.
- دانشپور، عبدالهادی و همکاران. (۱۳۸۸). تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. شماره‌ی ۳۸: ۳۷-۴۸.
- کلاتری، خلیل. (۱۳۸۸). مدل سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی. تهران: نشر فرهنگ صبا.
- نقدی، اسداله. (۱۳۹۰). انسان و شهر. همدان: نشر دانشگاه بوعلی سینا.
- Bonaiuto, M., Fornara, F. and Bonnes, M. (2002). "Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome". Landscape and

- Urban Planning, 988, 1-12.
- Brown, B.B. and Werner, C. M. (1985). "Social cohesiveness, territoriality and holiday decorations". *Environment and Behavior*. 27, pp. 539-565.
 - Halpenny, E. (2010). Pro-environmental behaviors and park visitors: The effect of place attachment. *Journal of Environmental Psychology* 30 (4), 409-421.
 - Hidalgo, M. C., Hernandez, b. (2001). Place Attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273–281.
 - Kerstetter, D., Bricker, K. (2000). Level of specialization and place attachment: an exploratory study of whitewater recreationists. *Leisure Sciences*. 22, 233- 257.
 - Kyle, G., Mowen, A., & Tarrant, M. (2004). "Linking place preferences with place meaning: An examination of the relationship between place motivation and place attachment". *Journal of Environmental Psychology*. 24, 439-454.
 - Low, Setha, M. and Irwin Altman. (1992). "Place Attachment: A Conceptual Inquiry". In Irwin Altman and Setha, M. Low (Eds), *Place Attachment*, New York/ London: Plenum Press: 1-12.
 - Manzo, L. C., (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology* 25. 67–86.
 - Morgan, P. (2010). "Towards a developmental theory of place attachment". *Journal of Environmental Psychology*, 30, 11–22.
 - Ramkissoon, H., Smith, L., Weiler, B. (2013). "Testing the dimensionality of place attachment and its relationships with place satisfaction and pro – environmental behaviors: a structural equation modelling approach". *Tourism Management*. 36: 552-566.
 - Ramkissoon, H., et al. (2013). Visitor Satisfaction and Place Attachment in National Parks. *Tourism Analysis*, Volume 19, Number 3. 287-300.
 - Raymond, C., Brown, G., and Robinson, G. (2011). "The influence of place attachment and moral and normative concerns on the conservation of native vegetation: A test of two behavioral models". *Journal of Environmental Psychology*, 31, 323-335.
 - Scannell, L. (2003). *Natural and Civic Place Attachment and the Relation to Pro-Environmental Behaviours in Trail and Nelson, British Columbia. A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science In the Department of Psychology. University of Victoria.*
 - Scannell, Leila. Robert Gifford. (2010). "The Relations Between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior". *Journal of Environmental Psychology*. XXX: 1-9.
 - Snepenger, D. et al., (2007). "Meaning and Consumption Characteristics of Places at a Tourism Destination". *Journal of Travel Research*. 45: 310-

- 321.
- Stedman, R. C. (2003). "Is it really a social construction? The contribution of physical environment to Sense of place". *Society and Natural Resources*. 16, pp.671-685.
 - Trentelman, C. K. (2009). "Place Attachment and Community Attachment: A Primer Grounded in the Lived Experience of a Community". *Sociologist Society and Natural Resources*. 22: 191-210.
 - Vaske, J., & Kobrin, K. (2001). "Place Attachment and Environmentally Responsible Behavior". *Journal of Environmental Education*, 32(4), 16-21.
 - Vorkinn, M., Riese, H. (2001). "Environmental Concern in a Local Context, The Significance of Place Attachment". *Environment and Behavior*. vol. 33 no. 2, 249-263.
 - Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach, *Forest Science*, 49: 6, pp. 830-840.
 - Windsong, Elena, Ariel. (2010). "There is no Place Like Home: Comolexities in Exploring Home and Place Attachment". *The Social Science Journal*. 47: 205-214.
 - Yuksel, A. et al., (2010). Destination attachment: Effects on customer satisfaction and cognitive, affective and conative loyalty. *Tourism Management*. Volume 31, Issue 2. 274-284.

Archive